گفت‌وگوی «جوان» با حجت‌الاسلام سیدعلی اصغر تقوی، مشاور شورای فرهنگ عمومی کشور

# مردم برای اصلاح فرهنگ عمومی رفتارهای مثبت را بزرگنمایی کنند

گفت‌وگو
جواد محرمی

فردا ۱۴ آبان مصادف با روز فرهنگ عمومی است که جایگاه مهمی در تقویم کشور دارد. با حجت‌الاسلام سید علی اصغر تقوی، مشاور شورای فرهنگ عمومی کشور در رابطه با اهمیت این روز گفت‌وگو کرده‌ایم.


رضا دهشیری | جوان

**تلقی از فرهنگ عمومی در افکار عمومی می‌تواند یکسان نباشد و تفاوت‌هایی داشته باشد. فکر می‌کنید کدام تعریف درباره این عبارت می‌تواند دقیق‌تر باشد؟**

یک تلقی از فرهنگ عمومی همان فرهنگ عامه است که مجموعه‌ای از رفتارهاست که می‌توانیم به آن عمومیت بدهیم و مربوط به همه جامعه است و تخصیص به قشر خاصی نداشته باشد. برای مثال مربوط به فرهیختگان یا نخبگان یا مربوط به کارگران یا پزشکان نیست. این سؤال مطرح می‌شود که آیا این فرهنگ عمومی در برابر فرهنگ خصوصی یا اختصاصی است یا مراد فرهنگ عامه است. این دو تلقی وجود دارد و هر دو هم می‌تواند درست باشد.

**فلسفه وجودی تشکیل شورای فرهنگ عمومی در ساختار فرهنگی کشور چیست؟**

شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از انقلاب تأسیس شد و رئیس جمهور رئیس آن بود و تصمیماتی گرفته می‌شد که عمدتاً حوزه فرهیختگانی را دربرمی‌گرفت. برای مثال بیشتر حوزه علم و دانش و دانشگاه و هیئت علمی و ناظر به این مباحث بود. رهبر شهید وقتی در زمان ریاست‌جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌دیدند، مباحث عمده به این سمت می‌رود و بخشی از فرهنگ عمومی که باید راجع‌به آن فکر شود و تصمیماتی گرفته شود اغلب یا به طور کامل مغفول می‌ماند یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد یا اینکه مسائل گسترده و زیاد است. برای همین فضای شورای عالی را مناسب این می‌دانستند که همان بحث‌های فرهیختگانی در آن دنبال شود و فکر کردند یک جایی باید باشد که مختص فکر و اتخاذ تصمیم درباره فرهنگ عامه و فرهنگ عمومی باشد. ایشان این ضرورت را مطرح کردند و پیشنهاد بررسی شد و یک آیین‌نامه‌ای تهیه شد که منجر به تأسیس شورای فرهنگ عمومی شد که این شورا در کنار یا ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی بتواند مسائل فرهنگ عمومی را پیگیری کند، به مصوبه برساند و اجرای آن‌را نظارت و پایش هم بکند. این سؤال پیش آمد که شورای فرهنگ عمومی باید در چه زمینه‌هایی بیشتر فعالیت کند. این در ابتدای شکل‌گیری یک مسئله بود. به نظر می‌رسید مهم‌ترین موضوعات در این دو دسته خلاصه می‌شود. وظیفه و رسالت اصلی شورا ارتقای فرهنگ عمومی و رسالت دوم اصلاح فرهنگ عمومی است.

**وقتی عبارت فرهنگ عمومی را می‌شنویم به نظر می‌آید لزوماً همه مواردی که در این قالب قرار می‌گیرد مثبت است. در اینباره نظرتان چیست؟**

یک چنین تصوری وجود دارد و اینجاست که رهبر شهید عنوان می‌کنند؛ ممکن است به طور عادی ما فرهنگ عمومی بد هم داشته باشیم. یک چیزی وارد فرهنگ جامعه شود و عمومیت پیدا کند و فرهنگ بدی باشد. اینجاست که اصلاح معنا پیدا می‌کند. برای مثال عادی‌شدن استفاده از قلیان در مراسم و میهمانی‌های بخشی از جامعه و تعارف‌کردن آن به میهمان‌ها فرهنگی است که نباید عمومیت پیدا کند و عادی‌سازی شود و گسترش پیدا کند. این نیاز به اصلاح دارد تا به یک فرهنگ عمومی تبدیل نشود. شورای فرهنگ عمومی برای این مسئله باید پیشنهاد داشته باشد یا برای مثال یک پیوندی بین عشایر یک قوم بسته شده و با هم قرار گذاشتند که در عروسی‌ها از اسلحه استفاده نکنند چون اتفاق‌های بدی هم بعضاً می‌افتاد و این باز وظیفه شورای فرهنگ عمومی کشور است که به نحو مقتضی به اصلاح این فرهنگ کمک کند. نکته دیگر تقویت فرهنگ عمومی است. ممکن است فرهنگ خوبی در یک بخشی از جامعه وجود داشته باشد اما مهجور باشد و در حد یک روستا یا منطقه مانده باشد و این باید عمومیت پیدا کند. کاری که شورای فرهنگ عمومی می‌تواند بکند تصمیم‌سازی است. یکسری بسته‌های سیاستی تنظیم بشود از طریق مردم و مسئولان و در این میان مردم به هر شکلی می‌توانند به این شورا پیشنهاد بدهند. حالا این پیشنهاد می‌تواند، درباره یک مناسبت در تقویم باشد که ما همین حالا پیشنهاد داریم. درباره نامگذاری روز شهادت آیت‌الله خامنه ای، پیشنهاداتی از سوی مردم رسیده و باید در یک کمیسیونی مورد بررسی قرار بگیرد و در مجموع بسته‌بندی شود و برای مصوب‌شدن در اختیار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار بگیرد. ما الان روزهای اصناف را داریم. برای مثال پیشنهاد روز پستچی را داریم.

**چه ضمانت اجراهایی درباره فعالیت‌های شورا وجود دارد؟**

مصوبات شورای فرهنگ عمومی می‌تواند در قالب مصوبه یا یک برنامه باشد. در دوره جدید تغییر که با حضور دکتر صالحی به عنوان رئیس شورای فرهنگ عمومی اتفاق افتاده مسئله برنامه محوری است. همین اسنادی که داریم را باید کمک کنیم تبدیل به برنامه و بسته‌های سیاستی بشوند و آثار آن را در جامعه مشاهده کنیم. این ضرورتی است که در فصل جدید حکمرانی فرهنگی کشور ملاحظه شده است و روی آن تأکید داریم و من بعد در راستای همین اسناد و بسته هایی که در شورای فرهنگ عمومی مصوب کردیم یکسری برنامه‌ها ارائه شده و اینها باید نگاشت نهادی بشود و هر دستگاه و نهادی وظیفه‌اش مشخص باشد.

**می توان گفت این شورا در واقع بازوی مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود؟**

شورای اقماری شورای عالی انقلاب فرهنگی است. مصوبه‌های شورای عالی فرهنگ عمومی بدون نیاز به تصویب در هیئت دولت خودش جنبه قانونی دارد و مصوبه‌های شورای فرهنگ عمومی عمدتاً یا برنامه‌هایی است که ازسوی خود شورا ارائه می‌شوند یا تصمیمات کلی هستند که باید از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی بررسی شود. اگر در قالب برنامه باشد که دستگاه‌های عضو می‌برند و اجرا می‌کنند اما اگر این برنامه یک تصمیم کلی‌تر باشد نیاز است که به شورای عالی برود و در آنجا تبدیل به مصوبه شود و از سوی رئیس‌جمهور ابلاغ شود.

**اینکه فرمودید مردم می‌توانند پیشنهاد بدهند به نظر می‌رسد نوعی تقاضا و مشارکت مردمی را برجسته می‌کند. آیا اینکه بیشترین تقاضای مردم برای امر فرهنگ شامل چه مسائلی می‌شود از سوی شورای فرهنگ عمومی احصا شده است؟**

از کلان برنامه‌ها و رئوس دیپلماسی فرهنگی در کشور ما مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی است و کلیدواژه‌ای که در بیان رهبر شهید مدام تأکید می‌شد و در جهت بیانیه گام دوم انقلاب مورد توجه ایشان بود، این بود که ما باید به طور حقیقی مردمی‌سازی را مورد توجه قرار بدهیم. به طور عمده نقش شوراهای ما در حکمرانی پررنگ است. به نظر می‌رسد ما در فصل جدی حکمرانی باید نگاهمان بیشتر به تعامل با مردم باشد. یعنی متعامل و متمایل‌تر با مردم بشویم. این در شورای فرهنگ عمومی با اصلاح آیین‌نامه‌ها آغاز شده و اول هم با اصلاح آیین‌نامه خود شورای فرهنگ عمومی آغاز شده است. سعی کردیم این رویکرد مردمی‌سازی را در آیین‌نامه لحاظ کنیم و بعد سراغ آیین‌نامه‌های استانی برویم چون ما در استان‌ها و شهرستان‌ها و برخی بخش‌ها شورای فرهنگ عمومی داریم. امروز حدود ۴۲۲ شورا در کل کشور داریم.

**همه فعال هستند؟**

ممکن است تعداد محدودی از آنها غیرفعال باشند اما بیش از ۹۰درصد فعالیت دارند و خیلی از بخش‌های ما الان متقاضی هستند. ما هر جا امام جمعه داریم در واقع شورای فرهنگ عمومی هم داریم. رئیس شورای فرهنگ عمومی، امام‌جمعه می‌شود. لذا گستره این شورا سراسر کشور است و خود را به تهران محدود نکرده‌ایم و اتفاقاً فرهنگ‌های بومی برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد. تأکید داریم مردم با رسالت‌های این شورا آشنا باشند و بتوانند ارتباط برقرار کنند. از ویژگی‌هایی که در آیین‌نامه جدید استان‌های شورا ذکر شده است، این است که کمیته‌های پنج‌گانه‌ای لحاظ شده که عمدتاً موضوعاتی که مردم با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مثل سبک زندگی، حکمرانی فرهنگی و میراث فرهنگی و بحث هویت به کمیته تبدیل شده است و این کمیته‌ها بازوهای مشورتی شورا در استان‌ها هستند. شخصیت‌های حقیقی‌وحقوقی می‌توانند در این کمیته‌ها مشارکت کنند. پس جمع کمیته‌ها ضمن اینکه جنبه حاکمیتی می‌تواند داشته باشد، از عناصر مردمی در آن به عنوان بازوی اصلی مشاوره می‌گیرد. این مردمی‌سازی البته شاید از این طریق به طور کامل محقق نشده باشد اما تا حدودی در گام اول به نفع مردمی‌سازی آیین‌نامه اصلاح شد. نکته بعدی استفاده مؤثر از همین روز فرهنگ عمومی است که در تقویم روز ۱۴آبان است. گرامیداشت این روز به شکل‌های مختلف اهمیت دارد. ما با دستگاه‌هایی که عضو خود شورا هستند، مشورت کردیم و به آنها پیشنهاد دادیم. برنامه‌های مختلفی از سازمان‌های مختلف مثل سازمان محیط‌زیست، وزارت ورزش و جوانان و سازمان تبلیغات که عضو شورای فرهنگ عمومی هستند به دست ما رسید. اینها برنامه‌های مختلفی را هر کدام در راستای موضوعی که خودشان با آن در ارتباط هستند، ارائه دادند. از شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها هم خواهش کردیم متناسب با زیست‌بوم خود پیشنهاداتی ارائه کنند تا ما در کنار برنامه‌های کلی یکسری برنامه‌های استانی و بومی هم داشته باشیم چون این بخش بومی برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد. به تناسب استان‌ها و زیست بوم‌های مختلف ما برنامه داریم.

**این نگاه ویژه به زیست‌بوم‌های مختلف چه جاهایی خود را نشان می‌دهد؟**

ما در برخی استان‌ها در تلاشیم مناسبت‌هایی را در همان استان به طور ویژه دنبال کنیم. معتقدیم برخی مسائل را که مختص یک استان است، می‌شود به خود استان تفویض کرد تا دنبال کند. ما پس از تصویب پایش و نظارت هم داریم تا ببینیم چه اتفاقاتی پس از مصوبات در استان‌ها به نفع فرهنگ عمومی رقم خورده است. دستگاه‌ها و مردم چه اقداماتی صورت داده‌اند. خوشبختانه تا الان هر روزی که از سوی شورای فرهنگ عمومی در سطح ملی تصویب شده پیامدها و بازخوردهای خیلی خوبی داشته‌است. برای مثال روز دختر و یکی از تصمیماتی که شورا در حال تصمیم‌گیری درباره آن است روز پسر است. در اینباره مطالبات مردمی و نیز از سوی دستگاه‌ها را شاهد بودیم. کمیسیون‌ها رسیدگی می‌کنند که به یک مصوبه‌ای برسیم که این هم در تقویم ما جایش خالی نباشد. خود این نامگذاری‌ها پایه‌ای می‌شود برای برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی از سوی مردم و دستگاه‌های مختلف جهت گرامیداشت آن روز که خودش می‌تواند منشأ آثار بسیار خوبی باشد.

**در بخشی از فرهنگ عمومی ما باب شده که برخی مناسبت‌های جهانی را که ممکن است در تناسب با ارزش‌ها و فرهنگ ما نباشد و برخی سعی می‌کنند این را در کشور ما عمومی کنند. شورا برای این مسئله چه رویکردی دارد؟**

دلیل آن می‌تواند این باشد که یک روز معین متناسب با آن موضوع در تقویم ما خالی است و باید این خلاء را پر کنیم تا دچار تهاجم فرهنگ بیگانه نشویم و از این ناحیه ضربه نخوریم.

**به نظر می‌رسد، در اینباره شورا باید سعی کند کمتر انفعالی باشد و بیشتر فعالانه عمل کند و پیش از اینکه یک روز متناسب با تقویم جهانی جای خود را باز کند وارد عمل شود تا به نحوی نوشدارویی پس از مرگ سهراب رقم نخورده باشد.**

همینطور است. دستگاه‌های محدودی هستند که عضو شورای فرهنگ عمومی هستند اما اعضای واقعی و حقیقی ما کل مردم هستند. ما از مردم دعوت می‌کنیم برای مشارکت. مثل پیشنهاد دادن درباره برخی فرهنگ‌های عمومی که باید غالب شوند و باید ارتقا و گسترش پیدا کنند.

**از برنامه‌های شاخص شورا چه موردی را می‌توانید مثال بزنید؟**

از برنامه‌های شاخص تجلیل از خادمان فرهنگ عمومی است. چند سالی است که ما این برنامه را اجرا می‌کنیم. هر چند آیین‌نامه آن مربوط به سال‌های قبل است. پیشنهاد ما به مردم این است که اگر شخصیتی را در جایی که زندگی می‌کنند، می‌شناسند که در راستای تقویت یا ایجاد یک فرهنگ عمومی مثبت و خوب گام برمی‌دارد و به طور خودجوش یک فرهنگ خوب را جا می‌اندازد، آن‌را به شورای فرهنگ عمومی معرفی کنند. اساساً ما معتقدیم فرهنگ یک پیکره است. یک جامعه مطلوب مسائل فرهنگی را در خود حل می‌کند اما ممکن است این زمان ببرد. شورای فرهنگ عمومی می‌تواند این موضوع را تسریع و تسهیل کند. این یک جایی است که فرهنگ عمومی نقش و وظیفه دارد. ما به نوبه خود سعی می‌کنیم از خادمین فرهنگ عمومی کشور تشکر کنیم و نقش آنها را برجسته کنیم. از جاهای مختلف خواستیم که به ما کمک کنند تا بشناسیم چه کسی، کجا، در حال چه خدمتی به فرهنگ عمومی کشور است. از جمع استان‌ها افرادی را می‌آوریم، بررسی و داوری می‌کنیم و در نهایت بر اساس آمار و اطلاعاتی که از سراسر کشور احصا می‌شود چند شخص برتر را مورد تجلیل قرار می‌دهیم. برخی شخصیت‌ها در عرصه ملی اثرگذاری دارند. برای مثال شخصیت‌هایی داریم در عرصه کتاب یا برخی ممکن است در عرصه رسانه شاخص باشند.

**این افراد لزوماً باید ارتباطی مستقیم با یک امر یا مورد فرهنگی مشخص داشته باشند یا می‌تواند در هر صنفی باشد؟ چون وقتی مردمی‌شدن مطرح می‌شود به نظر می‌رسد باید همه اقشار و اصناف را مدنظر قرار داد.**

نه محدودیتی واقعاً وجود ندارد. برای مثال خود من چون با اتوبوس رفت‌وآمد می‌کنم، متوجه شدم یک راننده وقتی به یک مکان مشخص می‌رسد که جنبه‌ای فرهنگی دارد به مسافران اطلاع می‌دهد و توضیح هم می‌دهد این مکان چه جنبه‌هایی دارد. برای مثال وقتی به چهارراه استانبول می‌رسد، درباره وجه تسمیه این مکان و آثار مهم نزدیک به این مکان توضیحاتی ارائه می‌دهد و به همین هم خلاصه نمی‌شود. برای مثال وقتی یک فرد سالمند وارد اتوبوس می‌شود؛ تقاضا می‌کند جایی برای او درنظر گرفته شود و اهمیت تکریم این افراد را مورد توجه قرار می‌دهد. در کنار این وقتی یک بچه دانش‌آموز هم وارد می‌شود با یک چهره بشاشی با او رفتار می‌کند و خوش‌وبشی با این دانش‌آموز می‌کند. این روحیه جای تقدیر دارد. هم می‌شود به سازمان اتوبوسرانی توصیه کرد که از این فرد تجلیل کند و هم می‌توان در قالب شورا اقدام به تجلیل کرد. ما سعی می‌کنیم صرفاً محدود به حوزه فرهیختگانی یا نخبگانی به معنای مطلق آن نشویم و همه اقشار را درنظر بگیریم. فرهنگ عمومی اینجا معنا پیدا می‌کند. خوشبختانه در فضای مجازی برخی این رسالت را حس می‌کنند و انجام می‌دهند. برای مثال یک پلیسی که عادت به انجام یک عمل انسان دوستانه دارد و به شهروندان در حد بضاعت خود کمک می‌کند را خود مردم در فضای مجازی بازتاب می‌دهند و برجسته می‌کنند. این خیلی خوب است که ما فقط جنبه‌های منفی از رفتار مردم را ضریب ندهیم و برجسته نکنیم بلکه به جنبه‌های مثبت فرهنگ مردم در فضای مجازی هم بپردازیم و حق مطلب را درباره نکات و نقاط مثبت فرهنگ عمومی ادا کنیم. آنجایی که خود مردم زمینه یک فعالیت مثبت را حس می‌کنند و گام برمی‌دارند همیشه بهترین و باکیفیت‌ترین نتایج را شاهد هستیم چون مردم در مقابل یکدیگر نقش‌پذیر هستند و به طور مضاعف اثرگذاری دارند. می‌دانید که ما در دنیا چنین شوراهایی نداریم. نظام‌های سیاسی کشورهای مختلف را اگر بررسی کنید خیلی به ندرت شاید به وجود چنین شوراهایی برخورد کنید. شاید برای شما جالب باشد که تقویم تا ۳۰سال پیش در جای دیگری تنظیم می‌شد اما اینکه یکی از بسترهای آن شورای فرهنگ عمومی شد اتفاق مهمی است. پیش از آن یک شخص در دانشگاه تهران اقدام به تنظیم تقویم ملی می‌کرد. این رسالت‌ها را جامعه به ما داد. امیدوارم با کمک مردم بتوانیم جنبه‌های مشارکت همه آحاد جامعه را در امر فرهنگ‌سازی محقق کنیم.



**از برنامه‌های شاخص، تجلیل از خادمان فرهنگ عمومی است. چند سالی است که ما این برنامه را اجرا می‌کنیم. هر چند آیین‌نامه آن مربوط به سال‌های قبل است. پیشنهاد ما به مردم این است که اگر شخصیتی را در جایی که زندگی می‌کنند می‌شناسند که در راستای تقویت یا ایجاد یک فرهنگ عمومی مثبت و خوب گام برمی‌دارد و به طور خودجوش یک فرهنگ خوب را جا می‌اندازد آن‌را به شورای فرهنگ عمومی معرفی کنند. اساساً ما معتقدیم فرهنگ یک پیکره است. یک جامعه مطلوب مسائل فرهنگی را در خود حل می‌کند اما ممکن است این زمان ببرد**

**خوشبختانه در فضای مجازی برخی این رسالت فرهنگ‌سازی را حس می‌کنند و انجام می‌دهند. برای مثال یک پلیسی که عادت به انجام یک عمل انسان دوستانه دارد و به شهروندان در حد بضاعت خود کمک می‌کند را خود مردم در فضای مجازی بازتاب می‌دهند و برجسته می‌کنند. این خیلی خوب است که ما فقط جنبه‌های منفی از رفتار مردم را ضریب ندهیم و برجسته نکنیم بلکه به جنبه‌های مثبت فرهنگ مردم در فضای مجازی هم بپردازیم و حق مطلب را درباره نکات و نقاط مثبت فرهنگ عمومی ادا کنیم. آنجایی که خود مردم زمینه یک فعالیت مثبت را حس می‌کنند و گام برمی‌دارند؛ همیشه بهترین و باکیفیت‌ترین نتایج را شاهد هستیم چون مردم در مقابل یکدیگر نقش‌پذیر هستند و به طور مضاعف اثرگذاری دارند**